

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۲/۴

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۵/۶

مقاله پژوهشی

فصلنامه علمی عرفان اسلامی  
سال نوزدهم، شماره ۷۵، بهار ۱۴۰۲

## تأثیر معنویت و عرفان در بین عالمان و صوفیان تشیع گرا در نیمه اول قرن نهم هجری

یوسف ظهوریان<sup>۱</sup>

اردشیر اسدبیگی<sup>۲</sup>

شهربانو دلبری<sup>۳</sup>

علیرضا روحی<sup>۴</sup>

### چکیده

از ویژگی‌های بارز قرن نهم هجری از نظر مذهبی، رواج مذهب تشیع و اظهار قشر فرهنگی و فرهیخته نسبت به این مذهب بود. سیاست آزادی مذهبی تیموریان که ادامه سیاست مغولان بود. زمینه را برای تضارب آراء مهیا کرد. در این راستا مکتب تشیع که از پایه‌های اعتقادی استواری برخوردار بود، با انگیزه‌های معنوی، الهی و عرفانی رشد چشمگیری کرد که در نهایت مقدمات تشکیل حکومت شیعی ایجاد گردید. همچنین آرامش ایجاد شده بعد از فتوحات تیمور و علاقه و احترام وی به علما، دانشمندان و صوفیان نیز مشاهده می‌گردد. در این دوره عالمان یا شیعه بودند و اساس تألیفات خود را بر بعد عرفان و تشیع قرار می‌دادند و اگر هم سنی بودند، سنی کم تعصب و یا متمایل به شیعه بودند. حال تلاش‌های عالمان و دانشمندان در دوره قبل و مقارن روی کار آمدن تیموریان برای ایجاد تشیع حائز اهمیت است که این پژوهش به آن می‌پردازد. شیوه این جستار (توصیفی - تحلیلی) می‌باشد. پرسش اصلی این تحقیق این است که آیا با مطالعه آثار دانشمندان این دوره می‌توان به دیدگاه‌های عرفانی آن‌ها در زمینه تشیع دست یافت؟ نتایج بررسی نشان می‌دهد که آثار امیرعلیشیرنوی، خنجی، عبدالرحمن جامی و غیره از اهل سنت و متصوفه نمودی از عرفان و تشیع را در آثار خود دارند.

**واژگان کلیدی:** عالمان، صوفیان، عرفان، تشیع، تیموریان.

۱- دانشجوی دکتری گروه تاریخ و تمدن ملل اسلامی، واحد مشهد، دانشگاه آزاد اسلامی، مشهد، ایران.

۲- استادیار گروه تاریخ و تمدن ملل اسلامی، واحد مشهد، دانشگاه آزاد اسلامی، مشهد، ایران. نویسنده

مسئول: Jafar.asadbeigi@gmail.com

۳- استادیار گروه تاریخ و تمدن ملل اسلامی، واحد مشهد، دانشگاه آزاد اسلامی، مشهد، ایران.

۴- دانشیار گروه تاریخ و تمدن ملل اسلامی، واحد مشهد، دانشگاه علوم اسلامی رضوی، مشهد، ایران.

## پیشگفتار

حملات مغولان به ایران هرچند در آن دوره بر سیاست، اقتصاد و آبادانی ایران لطمات جبران-ناپذیری وارد کرد، ولی تأثیر آن بر فرهنگ، علم، اعتقادات و دین مردم در ادوار بعد آشکار گردید. با سقوط بغداد و از بین رفتن حکومت عباسیان مرکزیت دینی اهل سنت از بین رفت. خلفای عباسی هر چند از نظر سیاسی بر بخشی از ممالک اسلامی تسلط داشتند، ولی نقش سرپرستی مذهبی و هماهنگ-کننده دینی اکثر بلاد اسلامی را ایفای کردند. از دیگر سو، سیاست آزادی مذهبی مغولان که در دوره ایلخانان نیز ادامه داشت، باعث گردید مذاهب دیگر از جمله تشیع رشد قابل توجهی نماید. به طوری که سلطان محمد اولجایتو معروف به خدابنده توسط علامه حلی به مذهب تشیع گرایش یافت. علاءالدین سمنانی از صوفیان اهل سنت بود. ولی اولجایتو وی را به شورای سنی - شیعی سلطانیه منصوب کرد و سرانجام وی به شیعه گرایش یافت. در این دوره جریان‌های سنت اسلامی نظیر تصوف با عناصر شیعه اثنی عشری با انگیزه‌های الهی و عرفانی همیشه حاضر در نهضت‌هایی که در پی ایجاد دیدگاه یکسان و متمرکز بودند و فراتر از تقسیمات سنتی جامعه مذهبی اسلامی می‌رفتند، ائتلاف می‌کردند و بر اثر نزدیکی و همبستگی ایدئولوژیکی زیادی که بین امام و شیخ وجود داشت، فاصله بین دیدگاه تشیع و تصوف را از میان برمی‌داشت (آزند، ۱۳۸۲: ۳۰۳). گرایش به مذهب تشیع در دوره تیموریان با توجه به این عوامل طرفداران بسیاری یافت. ویرانی‌های ناشی از حملات مغول و تیمور باعث گردید مردم بی پناه پس از جنگ و ناامید از خلافت، تنها ملجأ خود را دین بدانند. همچنین سازش مذاهب مختلف با ایلخانان موجب گردید در رواج ویرانی و فساد اجتماعی و اخلاقی حاکم بر جامعه، آنان نیز متهم-گردند. تشیع به خاطر دوری عالمان از صحنه سیاسی و اجرایی از پایگاه نسبتاً بهتری نزد مردم برخوردار بود. از طرف دیگر، فجایع و جنایات حکام نوعی حس بدبینی و انتقام را تشدید می‌کرد و تشیع به دلیل ماهیت ظلم ستیز خود برای مردم جذابیت یافت. در این دوره تشیع چنان محبوبیتی داشت که حاکمان برای جلب نظر مردم گرایش‌های شیعی از خود بروزمی‌کردند. عالمان، دانشمندان و حتی مشایخ صوفی نیز در قرن نهم هجری عمدتاً شیعه مذهب بودند یا اگر سنی بودند، به قدری تمایل به تشیع داشتند که از همان دوران آنان را نیز جزء مذهب تشیع عنوان می‌کردند. این جستار برای اولین بار به بررسی آثار عالمان و دانشمندان اهل سنت و متصوفه در زمینه تشیع آن‌ها می‌پردازد.

## پرسش پژوهش در جستار

از واکاوری بن‌مایه‌های آثار عالمان، دانشمندان و صوفیان به چه نتایج معنوی و عرفانی م‌رسیم؟ تکنیک‌های توصیفی در آثار عالمان چه کمکی به گسترش تشیع و عرفان در جامعه می‌کنند؟ شیوه این پژوهش، توصیفی-تحلیلی است. مطالب این مقاله بر پایه مطالعه منابع کتابخانه‌ای و فیش برداری گردآوری شده است.

## اهداف پژوهش

واکاوی بن‌مایه‌های شیعی در آثار عالمان اهل سنت و صوفی  
بررسی رویکردهای شیعی آثار دانشمندان و تأثیر آن بر گسترش مذهب تشیع در ایران  
تاکنون پژوهشی که در آن آثار عالمان و دانشمندان اهل سنت و یا صوفی از منظرگرایش به تشیع  
بررسی شده باشد، انجام نگرفته است. در راستای مقوله تشیع و تصوف، به صورت مستقل، پژوهش‌های  
انجام گرفته که در راستای موضوع این مقاله نمی‌باشد. در هیچ پژوهشی آثار دانشمندان اهل سنت دوره  
تیموری، از دیدگاه تشیع و رویکرد آن‌ها به شیعه، توأماً و یا حتی مجزا بررسی نشده است.

## مبنای نظری

تشیع اثنی عشری: اگر بخواهیم به شناختی مبتنی بر حقیقت نسبت به شیعه دست پیدا کنیم، پیش  
از هر چیز لازم است تا اسلام را خوب بشناسیم و سپس تشیع را بر اساس آن تعریف‌نماییم. اسلام،  
ایمان داشتن به الوهیت، وحدانیت و ربوبیت ذات مقدس خداوند و سپس بر مبنای این اعتقاد، ایمان  
داشتن به تمامی رسولان تا خاتمشان (حضرت محمد(ص)) و ایمان داشتن به احکام اسلام که برآمده از  
سنت پیامبر است و ایمان و تصدیق قرآن و همچنین عقیده داشتن به معاد، حساب، ثواب و عقاب روز  
قیامت می‌باشد و تشیع آن است که بعد از پیامبر (ص) مصدر دریافت عقاید و معارف و احکام اسلام،  
اهل بیت آن حضرت هستند.

شیعه کسی است که در تمام امور چه با زبان و چه با عمل، مطیع و فرمانبردار معصومین (نبی اکرم  
و اهل بیت (علیهم السلام)) باشد و به فرمان عقل و فطرت الهی خویش، پا جای پای آن‌ها بگذارد.  
هنگامی که به قاموس شیعه می‌نگریم، درمی‌یابیم که در دیدگاه آن‌ها شیعه واقعی کسی است که در  
همه کارها از رسول اکرم (ص) و به دنبال ایشان از امیرالمؤمنین، علی (علیه السلام) و سایر ائمه،  
پیروی نماید که به حق، یک نور واحد و پیروان صدیق پیامبر هستند و همانند ایشان از هرگونه خطا و  
اشتباه مصونند (شیخ مفید، ۱۴۱۴: ۳۵)

شیعه در لغت به معنی پیرو می‌باشد و چون اولین امام و مقتدای شیعیان پس از نبی اسلام، امیرالمؤمنین، علی (ع) می‌باشد، لذا این گروه را به آن بزرگوار منتسب می‌نمایند و در تمامی جهان با نام شیعه علی (علیه السلام) به معنای پیرو علی (ع)، شیعیان را می‌شناسند (شهرستانی، ۱۳۶۸: ۱۴۰/۱).

## بحث

تمایلات شیعی در اندیشه‌های معنوی و عرفانی علما، مورخان و شعرا

از دوره مغول، قرون هفتم و هشتم هجری نظر بسیاری از معتقدان به مکتب خلفا، که غالباً رویکردی صوفیانه و عرفانی داشتند با توجه به احادیث نبوی درباره محبت اهل بیت و با تغییر رویکرد خود از اهل حدیث به اشعری متعادل، به شیعیان نزدیک شده، ائمه دوازده‌گانه را پذیرفتند و آثار زیادی درباره آن بزرگواران نوشتند. این دیدگاه اگرچه محبت به اهل بیت دارد، دلیل دوری از خلفا نمی‌گردید. اما روایت‌هایی وجود دارد که از اختلاف میان صحابه و حضرت علی (ع) یا اهل بیت مطالبی دارند. به عنوان نمونه سنایی غزنوی (۴۷۳-۵۴۵هـ) اشعار زیادی را در مدح و برتری حضرت علی دارد. مانند بیت ذیل، ولی در عین حال به ستایش خلفا نیز می‌پردازد (صفا، ۱۳۶۳: ۵۶۰/۲).

نائب مصطفی به روز غدیر کرده در شرع خود مر او را میر

همچنین سبط بن جوزی (د ۶۵۴هـ) که نویسنده‌ای سنی مذهب بود، کتاب *تذکره الخواص* را به زندگانی دوازده امام اختصاص داده و همانند شیعیان امامی مذهب به شرح حال ائمه پرداخته است. محمد بن یوسف گنجی شافعی (د ۶۵۸هـ) درباره امام زمان کتاب نوشت و ابن ابار (د ۶۵۸هـ) کتاب *درر السمط* را تألیف کرد به صورتی که برخی او را شیعه دانسته اند (عاملی، ۱۴۰۳: ۱۵۵/۱؛ تهرانی، ۱۳۰۴: ۱۲۵/۸). محب طبری (د ۶۹۴هـ) نویسنده کتاب *های ذخائر العقبی و الریاض النضره* از دیگر مؤلفان اهل سنت است که به زندگانی دوازده امام پرداخته است. این گرایش در ایران و شرق بیشتر نمایان است. نمونه آن علاقه سنیان خراسان به امام رضا (ع) است. حمدالله مستوفی نویسنده‌ای که دوران تیموریان را درک کرده است. وی کتاب خود به نام *تاریخ گزیده* را در سال ۷۳۰هـ نوشته، در این کتاب نقل کرده است که ائمه معصومین حجه حق بر خلق بودند. آن‌ها اگر چه خلافت نکردند، ولی از آن‌ها تبرک را باید جست و دارای مقام و منزلت هستند. در صورتی که در قسمت قبلی کتاب خود، زندگی خلفا را با اعتقاد به آنان آورده است (مستوفی، ۱۳۶۲: ۲۰۱). همچنین کتاب *الصواعق المحرقة* که در رد شیعه نوشته شده، مطالبی درباره شرح حال ائمه است. فضل بن روزهان خنجی (د ۹۲۷هـ) نیز با آن که شخصیتی ضد شیعی داشت و به دشمنی با دولت صفوی شهرت دارد، به اهل بیت عشق می‌ورزید و کتاب *وسیله الخادم وی* در شرح صلوات چهارده معصوم همانند یک شیعه امامی نوشته شده است (خنجی، ۱۳۷۵: ۲۳۰-۲۳۳). این اوضاع نشان‌دهنده آمادگی اهل سنت و معتقدان

به خلفا برای پذیرش مذهب تشیع است. بی جهت نیست که سلطان حسین بایقرا از سلاطین تیموری (۸۷۵ - ۹۱۱ هـ) که مسلک نقشبندیه اهل سنت داشت، می‌خواست خطبه به نام دوازده امام بخواند، ولی او را منع کردند. با رواج این اندیشه در شرق و غرب سرزمین‌های اسلامی، آمادگی برای تشکیل نظام‌هایی مبتنی بر طرز فکر امامیه ایجاد شد. احترام و اظهار ارادت به اهل بیت در دوره تیموری خاص طبقه حاکم نبوده، بلکه این طرز تفکر در بین طبقه عالمان و عارفان سنی مذهب این دوره و در آثار آن‌ها دیده می‌شود که در این نوشتار به عالمان، دیدگاه‌ها و آثارشان اشاره می‌گردد. نقش برخی از علما در این دوران از علل گسترش تشیع و بعد عرفانی بود. علمایی همچون ملاحسین واعظ کاشفی (د. ۹۱۰ هـ) در این دوران شخصی بود که در دربار حسین بایقرا از ارج و قرب برخوردار بود و تبیین جو مذهبی حاکم بر دربار هرات و شخص سلطان بایقرا تا حد زیادی به شناخت شخصیت وی بستگی دارد. ملا حسین واعظ کاشفی، نویسنده، ادیب و فقیه مشهور زمان خود که مذهب وی پنهان-بود. به این صورت که در سبزواری شیعه نشین وی را سنی می‌دانستند و سنیان هرات وی را شیعه قلمداد می‌کردند. وی در عین حال که فقیهی حنفی مسلک بود، معروف‌ترین کتاب را برای مجالس عزاداری امام حسین با عنوان *روضه الشهداء* تألیف کرد. اصطلاح *روضه خوانی* نیز برگرفته از همین کتاب است. کتاب *روضه الشهداء* که احوال امامان نخستین را ذکر کرده است، بخش عمده آن را ذکر مصائب امام حسین و اصحاب و اهل بیت ایشان تشکیل می‌دهد. به نقل از واعظ کاشفی که در کتاب خود می‌گوید که عده‌ای از دوستان اهل بیت با فرارسیدن محرم همه ساله یادبود مصیبت شهدا را تجدید می‌کردند و به عزاداری فرزندان پیامبر برمی‌خواستند. به همین جهت، با این که کاشفی به مذهب جامی و امیرعلی شیرنوازی بود، به نگاشتن این کتاب راغب شد. تردیدی نیست کاشفی نیاز مردم زمان خویش را درک کرده بود و این نشان از پیوند قلبی مردم با تشیع بوده است. به دنبال فراگیر شدن این فرهنگ حکمرانان، شاعران را به منقبت و مرثیه‌سرایی اهل بیت تشویق می‌کردند. به طوری که به نظر برخی از پژوهشگران حجم ادبیات رثایی و عاشورایی به طور کلی با محوریت اهل بیت در میان این سلسله سنی مذهب بسیار است (قزوینی، ۱۳۵۸: ۳۷۱).

### نقش علامه حلی در تشیع الجایتو

پیش از این در شرح چگونگی تشیع الجایتو از مشارکت علامه حلی مطالبی مطرح گردید. مباحثاتی که گفته شده نقش مهمی در تشیع الجایتو داشت. در این باره نقلی هم در منابع شیعی است که یکی از این مناظرات را به اجمال آورده و طی آن علامه پاسخ شخصی به نام سید موصلی، از علمای اهل تسنن را داده است (اسفزاری، ۱۳۳۸: ۲/۲۸۴). اوایل قرن هشتم هـ خدابنده از سلاطین ایلخانی که در ابتدا پیرو مذهب اهل تسنن بود، در سال ۷۰۹ هـ بر اثر مناظرات و مباحثات با علامه حلی (م ۷۲۶ هـ) شیعه گردید (علیاری، ۱۳۷۱: ۳/۲۳۴). همچنین در منابع مختلف در زمینه فعالیت‌های علامه حلی در

نشر تشیع و بعد معنوی و عرفانی از طریق تلاش‌های علمی و عملی بسیار مطلب آورده شده است. در آن دوران این اهمیت به حدی بود که ابن تیمیه، حنبلی مذهب (۶۴۱-۷۲۸هـ) مجبور شد کتاب نهج الحق و کشف الصدق علامه حلی را نقد کند (صفدی، ۱۴۰۱: ۲۶۲/۲۱). عسقلانی می‌گوید وقتی خبر نقد ابن تیمیه، به علامه رسید، وی گفت اگر آنچه را من می‌گویم، می‌فهمید، پاسخ وی را می‌دادم. (عسقلانی، ۱۳۹۰: ۳۱۷/۲). در واقع باید گفت، زمینه مهم در رواج تشیع در دوره خدابنده مربوط به نقش خاص علامه حلی است که بر تشیع ایران تأثیر داشت. از دیگر اقدامات علامه حلی برای ترویج تشیع و عرفان اسلامی، تألیف چند کتاب در زمینه امامت و اهدای آن‌ها به الجایتو است. علامه حلی کتاب نهج الحق و کشف الصدق خود را به سلطان محمد خدابنده تقدیم کرده است. همچنین کتاب-های منهای الکرامه (علامه حلی، ۱۳۷۹: ۹)، کشف الیقین و کتاب استقصاء النظر خود را نیز به سلطان الجایتو خدابنده تقدیم کرده است و رساله کوتاهی نیز شامل پرسش خدابنده از علامه درباره بحث حکمت نسخ موجود است که علامه بر اساس دیدگاه شیعی و اشعری آن را پاسخ داده است (عسقلانی، ۱۴۱۴: ۱۰۱/۴، عقیلی، ۱۳۳۷: ۲۸۳). با توجه به بررسی منابع مشخص می‌گردد، بعد از این اقدامات حلی، الجایتو برای ضرب سکه به نام دوازده امام اقداماتی کرده است (افندی، ۱۳۸۹: ۱/ ۳۶۱).

### بررسی تمایلات شیعی در اندیشه دیگر عالمان و عارفان

از عالمان این دوره امیرعلیشیرنویسی (۸۴۴-۹۰۶هـ) در دوره حسین بایقرا بود که از ابتدا در صحنه مذهبی و غیره ملازم سلطان بود و در اکثر حوادث و رویدادهای زمان حسین بایقرا به وضوح دیده می‌شود. وی شعرهایی نیز در مدح اهل بیت دارد و معروف‌ترین اثر وی مجالس النفایس و خمسه-المتحیرین نام دارد (خواندمیر، بی تا: ۵۶/۶). بررسی و واکاوی عملکرد امیرعلی شیرنویسی را تنها به حوزه‌های سیاست و فرهنگ محدود نمی‌توان کرد، چرا که تکاپوهای وی در عرصه فعالیت‌های عام‌المنفعه و امور خیریه اجتماعی نیز بسیار چشمگیر بوده است. گواه اصلی در تأیید این مدعا، فهرست بناهای پرشماری اعم از مسجد، خانقاه، مدرسه، کتابخانه و غیره که امیر علی شیرنویسی در جهت رفاه حال عامه بنیان نهاده بود. به تعبیر امین هروی، مؤلف فتوحات شاهی در خراسان مساجد و مدارس و خانقاه و ریاضات و بقاع الخیر بسیاری در این دوره ساخته شد. (هروی، ۱۳۸۳: ۴۶۰). از جمله مشهورترین آثار وی که توسط امیر علی شیرنویسی بنیاد شد می‌توان به مجتمع آموزشی اخلاصیه هرات، کتابخانه امیرعلی شیر در هرات، آرامگاه جامی در هرات، آبراهه چشمه گیلان مشهد برای زوار، آرامگاه شاه قاسم انوار تربت جام، دارالحفاظ و ایوان صحن عتیق حرم رضا در مشهد، کاروانسرای سنگ بست، مسجد جامع ترشیز، رباط اسفراین، پل بابا کمال هرات، مدرسه فناییه هرات، مسجد جامع سرخس و غیره اشاره داشت. امیرعلیشیرنویسی برجسته‌ترین حامی و بزرگترین پشتیبان فرهنگ و تمدن اسلامی در دوران تیموریان بود و بدین سبب جمعی از عارفان و دانشمندان و عالمان

گرد او آمده بودند. از جمله مشهورترین اینان می‌توان از مورخان نامدار میرخواند، خواندمیر، دانشمندان و عالمان مشهور واعظ کاشفی و الهی اردبیلی و همچنین شاعر و عارف بزرگ جامی یاد کرد. (نوایی، ۱۳۴۲: ۲۸۰-۲۵۹) نقش برخی از علمای اهل سنت بزرگان طریقت نقشبندیه از جمله خواجه محمد پارسا و عبدالرحمان جامی را در نزدیکی دو مذهب شیعه و سنی نمی‌توان نادیده گرفت. با توجه به مذهب تیموریان که سنی بودند و این که اکثریت مردم ایران نیز سنی مذهب بودند، مسئله قابل توجه در این دوره گرایش سلاطین و علمای اهل سنت به تشیع می‌باشد و بررسی علل و زمینه‌های آن اهمیت دارد. زیرا که وجود چنین گرایش‌های معنوی و عرفانی در واقع در قرن بعدی باعث شکل‌گیری حکومت صفویه و رسمیت یافتن تشیع در ایران گردید. از دیگر عالمان و عارفان که می‌توان نام برد، شامل: سیدعلی همدانی، خواجه محمدپارسا، احمدبن تاج‌الدین استرآبادی، قاضی حسین میبدی، جلال‌الدین محمد دوانی، جمالی اردستانی، حسین بن علی کاشفی، شریف جرجانی، ملا محمدواعظ فراهی، ضیا‌الدین عبدالله بن سعدبن محمدبن عثمان قزوینی، ابن‌عنبه و همچنین بزرگان طریقت نقشبندیه از جمله خواجه محمدپارسا و عبدالرحمن جامی بودند. همچنین در شاعران و مورخان نیز تمایلات و تکاپوهای شیعی و عرفانی وجود داشت که شامل این شعرا می‌گردید: خواجه عصمت‌الله بخارایی، خواجه علی شهاب‌ترشیزی، ابن حسام خوسفی و غیره. از مورخان نیز شامل حافظ ابرو، نظام‌الدین شامی، فخرالدین ابوسلیمان محمدداوودبناکتی، معین‌الدین محمدزمچی اسفزاری، کمال‌الدین عبدالرزاق سمرقندی، ابن‌عربشاه، فضل‌الله روزبهان خنجی، شرف‌الدین علی یزدی، زین‌الدین محمدواصفی، میرمحمدبن سیدبرهان‌الدین خاوندشاه معروف به میرخواند، غیاث‌الدین بن همام‌الدین معروف به خواندمیر، دولت‌شاه سمرقندی و غیره بود. نورالدین عبدالله بن عبدالرشید بهدادینی مشهور به حافظ ابرو (۷۶۰-۸۳۳هـ) تاریخ‌نگار و جغرافیدان در هرات متولد شده در خطه همدان بر مسند کمال و فضل قدم نهاده است. فنی که وی به آن اشتها یافته علم تاریخ است. او از افاضل دوران امیر تیمور گورکان است (مدرس تبریزی، ۱۳۶۹: ۳/۲). وی ۲۸ سال از سلطنت شاهرخ میرزا را دریافته بود (همان، ۱۰/۲).

حافظ ابرو شعر زیر را در مدح امام رضا آورده است: (حافظ ابرو، ۱۳۸۰: ۱۱۸/۳)

علی بن موسی گوی بس که القاب یابند از اسمش شرف

از دیگر شاعران و مورخان دوره مغول در ایران بناکتی (د. ۷۳۰هـ) بود. از جمله آثار او کتاب مشهوری به نام *روضه اولی‌الالباب فی معرفه التواریخ و الانساب* که به تاریخ بناکتی نیز معروف شده است. وی در کتاب خود همه ائمه دوازده‌گانه را به امامی و پیشوایی یاد می‌کند (بناکتی، ۱۳۴۸: ۱۵۷) و در مورد هریک از ایشان جداگانه مطالبی در مورد تولد، وفات و فرزندان آنها ذکر می‌کند (همان، ۹۸-۱۱۶). بناکتی درباره امام مهدی نیز نوشته است: «مادرش ام ولد بود نام وی نرجس بنت یشوع بن

قیصر ملک روم پیش از طلوع صبح شب نیمه ماه شعبان سال ۲۵۵هـ در سامرا به دنیا آمد و او را از دشمنان پنهان می‌کردند و اعتماد شیعیان اثنی عشری چنان است که تاکنون هنوز زنده است و قیام خواهد کرد.» در مورد ابوالفضل عباس نیز آورده است: «پسر امیرالمومنین علی علیه‌السلام او را سقا لقب نهادند» (همان، ۱۱۵-۱۱۷) تاریخ بناکتی نمونه‌ای از نزدیکی اهل سنت با تشیع است. بناکتی با وجود سنی بودن با آرا شیعی با انعطاف برخورد کرده است و بسیاری از آرای شیعی را در مذهب خویش جذب کرده با مسائل مذهبی برخوردی منصفانه و به دور از تعصب و طرفداری دارد. این امر نشان‌دهنده فاصله‌گرفتن از تسنن خراسانی قرن‌های پنجم و ششم هـ است. زمجی اسفزاری از تاریخ-نگاران و دانشمندان عصر تیموری قرن نهم هـ نیز مانند سایر مورخان این دوره در ابتدای کتاب خود بعد از حمد و ثنای خداوند و مدح پیامبر اکرم به مدح خلفای چهارگانه پرداخته است. (زمجی اسفزاری، ۱۳۳۸: ۶/۱) وی از مزار منتسب به حضرت علی در بلخ نیز گزارشی ارائه داده، همچنین از امام با القابی مانند شیخ حقیقت، گنج معانی، اسدالله الغالب و غیره یاد کرده است. (همان، ۱۶۰/۱) زمجی اسفزاری در کتاب خود همواره ائمه شیعه را با احترام و القاب شایسته یاد کرده است از جمله در مورد امام رضا که ایشان را شاه اولیاء، سلطان اتقیا، نور باصره بینش و غیره وصف کرده است (همان، ۱۸۲/۱-۱۸۳). وی برگزاری مراسم عزاداری امام حسین در مدرسه گوهرشاد بیگم و حضور سلاطین و شاهزادگان تیموری توسط واعظ کاشفی را نیز به تفصیل آورده است (همان: ۲۶۷/۱-۲۷۲).

ابن عربشاه (۷۹۱-۸۵۴هـ) مورخ، ادیب و شاعر قرن نهم در دوره تیموری است که وقایع را به دور از جانبداری و تملق به رشته تحریر درآورده است او علوی دوستی تیمور را سیاسی دانسته رفتار او با اهل دمشق و بعدها با یلدرم بایزید سلطان عثمانی را نه حب حضرت علی بلکه عداوت با معاویه می‌داند (ابن عربشاه، ۲۰۰۸: ۱۹۲).

در عصر تیموریان یکی از برجسته‌ترین شخصیت‌های فقهی اهل سنت روزبهان خنجی عالم اهل سنت قرن نهم و دهم هـ است. او هم در عرصه عمل و هم در عرصه نظر با تشیع مبارزه کرد در حالی که او کتابی به نام *وسیله الخادم الی المنخدوم در شرح صلوات چهارده معصوم* دارد. وی در این کتاب به شرح فضایل و مناقب چهارده معصوم (ع) پرداخته است. او به مطالب مربوط به شرح حال و زندگی رسول اکرم و امام زمان تفصیل بیشتری داده است و نهایت اخلاص و ارادت خود را به ساحت مقدس آن‌ها نشان می‌دهد و در پایان در مورد بحث تولی و تبری مطالبی را دارد. تا جایی که برخی از اهل تحقیق معتقدند او یک سنی متمایل به اهل بیت است. در صلوات بر امام حسن، امامت او را بعد از امام علی برحق دانسته و آن حضرت را با اشاره به حدیث پیامبر اکرم سید جوانان اهل بهشت معرفی کرده است. (خنجی، بی‌ج: ۱۵۲-۱۵۶). وی تلاش‌های امام را در جهت مبارزه با افکار الحادی آن دوران عنوان کرده و امام را حجت الله بر کل زندیق خوانده است. همچنین بر فزونی شاگردان آن حضرت و مجالس درس ایشان نیز اشاره کرده و آن را نشانه علم حضرت دانسته است. در این جا به

ظهور و برآمدن اسماعیلیان نیز اشاره کرده‌است (همان، ۲۰۰-۲۰۴). وی همچنین قیام علویان را از تدابیر فضل بن سهل وزیر ایرانی مأمون جهت مقابله با آنان می‌داند و در مورد شهادت امام می‌نویسد، آن حضرت شهادت به زهر غم و خون و یافته و حضرت در طوس مدفون است (همان، ۲۳۱-۲۳۸). همچنین مأمون را لعن کرده و عنوان کرده‌است که لعنت خدا بر کسی که امام را زهر داده‌است (همان، ۲۴۱). همچنین خنجی در این کتاب از آرزوی خود مبنی بر افتخار زیارت مرقد امام رضا عنوان کرده- است. احترام و زیارت امام را آرزوی خود می‌داند. روزبهان خنجی با عبارات والا و احترام فراوان از مرقد امام در مشهد یاد می‌کند و آن را مکان برآورده شدن حاجات می‌داند (همان، ۲۳۱). با توجه به این شواهد موجود می‌توان حب اهل بیت را در وجود وی عنوان کرد. کتاب دیگر خنجی مهمان نامه بخارا است که این کتاب را به درخواست شیبان خان ازبک به رشته تحریر در آورده‌است. او در این کتاب نیز در فصل مربوط به رسیدن سپاه ازبک‌ها به مشهد به ذکر فضیلت زیارت امام علی بن موسی پرداخته و آن را موجب حیات دل و جان می‌داند. وی در کتاب خود شعری در مدح امام رضا با این متن سروده‌است.

هزار دفتر اگر در مناقبش گویند      هنوز ره به کمال علی نشاید برد

قابل ذکر است خنجی قصیده‌ای نیز در منقبت امام رضا دارد که در آن به نام دوازده امام اشاره کرده . (خنجی، ۱۳۵۵: ۳۳۶-۳۳۸)

خنجی در این کتاب شرح زیارت امام رضا توسط محمد خان شیبانی و خواندن احادیث قدسیه و روایات امام رضا را با ترجمه فارسی آورده‌است و همچنین به نذورات و صدقات خان ازبک و ادای احترام او به علم و شمشیر امام رضا را به تفصیل ذکر کرده‌است. (همان، ۳۴۲-۳۴۷) ولی با توجه به مطالبی که عنوان گردید، فضل الله به اصول عقاید شافعی معتقد بود و کثرت علاقه و اعتقاد او گاهی به سر حد تعصب می‌رسید و شیعیان دوران صفوی را بدتر از کفار دانست. (براون، ۱۳۳۹: ۲۸/۳-۲۹). البته بررسی آثار و نوشته‌های روزبهان خنجی بیانگر این واقعیت است که وی مانند بیشتر عالمان آن دوره حب آل علی داشته ولیکن مخالف اقدامات و عقاید متعصبانه شیعیان یا به عبارتی صفویان از جمله سب و لعن خلفا و بی‌احترامی به مزار عالمان سنی و غیره بوده است. در مجموع تلاش‌های این علما باعث رواج و به رسمیت یافتن مذهب تشیع در قرن بعدی در ایران گردید و توانست دولت صفویه مذهب تشیع را مذهب رسمی در ایران عنوان کند.

#### تمایلات شیعی در اندیشه عارفان و صوفیان

تمایلات شیعی در اندیشه عارفان این عصر نیز مشخص بود. اعتقاد حاکمان تیموری به تصوف و احترام به صوفیان، قرون نهم و بعد از آن دهم هر دو در زمره یکی از بهترین ادوار تاریخی ایران برای

رشد و گسترش تصوف کرد. این گسترش بی سابقه، دو نتیجه مستقیم را در پی داشت: ورود پیروان خانقاه‌ها به شریعت و خروج تصوف از انحصار صوفیان که نفوذ اصطلاحات و معانی عرفانی در اکثر آثار منظوم و منثور این دوره شاهدهی براین مدعا است. عامل دیگری که تصوف را رونق بخشید، ناملايمات و سختی‌های آن دوران که توجه مردم را به خانقاه بیشتر می‌کرد و انگیزه مناسبی برای دوری از مسائل دنیوی بود (صفا، ۱۳۶۳: ۶۷/۴). عرفان و تصوف در قرن نهم هـ از یک ویژگی مهم برخوردار بود. بخش عمده گرایش‌های صوفیانه و عارفانه، تمایلات شیعی دارد. در این دوره آن‌قدر طریقت و شریعت به هم نزدیک گردید که مشایخ بزرگ صوفیه متصدیان امور شرعی مردم شدند. گویی تعارض و جدالی که چندین قرن بین فقها و صوفیه بود، از بین رفت و صوفیانی ظهور کردند که عمل به شریعت را در تمامی احوال و مراحل لازم و ضروری می‌دانستند. اوضاع و شرایط اجتماعی عهد تیموری، به‌ویژه در منطقه خراسان که پس از فتوحات امیرگورکان ثبات و آرامشی یافته بود، مردم را به سوی خانقاه‌ها سوق می‌داد به طوری که تیمور نیز خانقاه‌هایی ساخته بود (یزدی، ۱۳۸۷: ۱۹۸). از سوی دیگر احترامی که وی و جانشینان او برای مشایخ صوفیه که اکثر گرایش‌های شیعی داشتند، قائل بودند، موجب روی آوردن مردم به آن‌ها گردید و خانقاه‌ها پناهگاه قشر عظیمی از مردم گردید (پارشاطر، ۱۳۸۳: ۱۹). از قرن هشتم و به‌خصوص قرن نهم هـ آخرین قرون غلبه تسنن بر تشیع در ایران در بود. مقاومت و مبارزه علیه حکام ظلم و جور در قرون هشتم و نهم هـ وارد مرحله جدیدی گردید. شیعیان که از قدرت نسبتاً خوبی برخوردار شده بودند و آنچه برای قیام و مبارزه نیاز است در باورهای اعتقادی و مکتبی آن‌ها داشتند، شروع به مبارزه و مخالفت کردند. نخستین اقدام از میان صوفیان و عارفان صورت گرفت. قیام صوفیان سربداری اولین حرکت سیاسی، نظامی مذهب شیعه به صورت گسترده محسوب می‌شود. از این نهضت به بعد، شیعه اثنی عشری نقش سیاسی ایفا کرد. نکته مهم این است که قیام سربداران سرآغاز بسیاری از قیام‌های دوره‌های بعد در ایران گردید. رهبران این قیام مانند درویش هندوی مشهدی، درویش عزیزجوری، پهلوان عبدالرزاق و حیدر قصاب و غیره همگی از طبقات پایین اجتماع بودند که با شعار مبارزه با فساد، بی‌عدالتی و اعتقاد به ظهور مهدی قیام کردند. همچنین از دیگر مشایخ این قرن نورالدین عبدالرحمن جامی بود. وی بخشی از دوره شاهرخ و تمام حکومت ابوالقاسم بابر و میرزا ابوسعید گورکان و بخشی از سلطنت سلطان حسین بایقرا را درک کرد. مذهب رسمی عهد جامی روش اهل سنت و جماعت بود. اصول عقاید امامیه نیز که بنیان آن توسط خواجه نصیر، علامه حلی و شهید اول در قرون قبل گذاشته شده بود، در خراسان انتشار داشت. رواج شیعه در خراسان بر شهرهایی مانند سبزوار و مشهد از کانون‌های تشیع محسوب می‌شد. جامی در تصوف به طریقه نقشبندیه و بزرگ آن عبدالله احرار وابسته بود.

شهر هرات نیز در اواخر قرن نهم و اوایل قرن دهم هـ محل امتزاج عقاید معنوی و عرفانی شیعیان خراسان بوده است و جامی که با تحولات عقاید مذهبی آن زمان مخالف بود، نه می‌توانست از عقاید

عامه روی‌گردان شود و نه مبانی اعتقادی ائمه را به کلی انکار نماید. از این رو در سخنان وی همواره تجلیل به خلفا با اعتراف به فضایل ائمه شیعه نزدیک بود. او خود را محقق می‌دید که تعصب و جدل در مذهب را بی‌فایده می‌دانست. پیشوایان شیعه امامیه در نزد جامی مقامی والا داشتند. وی در آثار و اشعارش از آن‌ها با احترام یاد کرده‌است. همچنین وی از زیارت مجامع شریف نیز غافل نبود. جامی سفری نیز در سال ۸۷۷هـ به حجاز و سپس کربلا داشته‌است و در بازگشت به نجف رفته و حرم حضرت علی را نیز زیارت کرده‌است (جامی، ۱۳۶۳: ۵۲). از تألیفات جامی کتاب *شواهد النبوه* در زمینه پیامبر و معجزات ایشان است. در آن از صحابه و اهل بیت نیز مطلب آورده‌است و در ذکر فضایل و مناقب ایشان به گونه‌ای آورده که نشان می‌دهد سنی متمایل به شیعه، خالی از تعصب و تمایل به عقاید امامیه بوده‌است، به خصوص این که به مناقب ائمه نیز پرداخته و حضرت علی بن ابی طالب و امام زمان را نیز با احترام یاد کرده‌است.

در بررسی روند تحولات تصوف در عصر تیموری افراد برجسته دیگری وجود دارد که از آن میان می‌توان به حافظ برسی، صاحب تألیف *مشارق الانوار* و احمد بن محمد حلّی استاد محمد بن فلاح مشعشی اشاره کرد. با نگاهی کلی به قرون هشتم و نهم هـ، مقبولیت آیین شیعه به عنوان بارزترین مشخصه مذهبی مردم آشکار است. طبقات مردم آنچنان به این مذهب ابراز شوق می‌نمودند که حکام، سلاطین، شعرا و فقها نیز یا خود گرایش به شیعی داشتند یا با ابراز به علایق آن در پیشبرد اهداف خود بهره‌می‌بردند. لذا در آن‌ها علاقه مندی به مناقب و فضایل اهل بیت و بدون تعصب سنیان ادوار گذشته مشهور است. در اینجا نکته مهم تکیه مشایخ صوفیه بر مذهب است، در طول تاریخ تصوف و عرفان اسلامی معمولاً عرفا از کشمکش‌های مذهبی بر حذر بوده و خود را فراتر از جدال شیعه و سنی می‌دانستند. آن‌ها چنان مجذوب بودند که مجالی برای پرداختن به فروع نداشتند. ولی در قرن نهم هـ از یک سو تصوف و عرفان از درون تهی شد و از دیگر سو گرایش عمومی به تشیع و احترام بیش از حد امرا و حکام به بزرگان شیعه باعث شد، مشایخ نیز بر مذهب تشیع تأکید نمایند. تحرک، پویایی، تکاپو، تسلیم‌ناپذیری مکتب تشیع در این قرون منجر به گسترش تشیع در ایران و به رسمیت شناختن آن گردید. خراسان و ایالت همجوار آن قهستان قلمرو مطلوبی برای صوفیان به شمار می‌آمد. این منطقه در دوره سلطنت شاهرخ شاهد حضور شیوخ بسیاری از طریقت‌ها بود. در هرات، شیوخ صوفیه به مجالس یکدیگر رفت و آمد می‌کردند و در مسجد جامع به وعظ و تدریس می‌پرداختند. در خراسان مزارهای شیوخ بسیاری وجود داشت. به عنوان نمونه می‌توان به مزار شیخ احمد جام در تربت جام اشاره داشت. کتاب *روضات الریاحین* مجموعه‌ای در شرح حال شیوخ جام و هرات است. نویسنده که از نوادگان شیخ احمد جام است به مجموعه نوشته‌های شیخ ابوالمکارم بوزجانی که خود معاصر این دوره بود، دسترسی داشته‌است. بوزجانی کتاب خود را در اوایل قرن دهم هـ نوشته و عضو طریقت نقشبندی بوده‌است (بوزجانی، ۱۳۴۵: ۷-۱۷). یکی از شیوخ این دوره عبدالرحمان جامی شاعر پرآوازه

است. موضوع قابل توجه این است که دو گروه برجسته متصوفه وجودداشتند که هر دو وابسته به یک طریقت بودند و با یکدیگر ارتباط داشتند. در خارج از این حلقه‌ها دیگر کانون‌های قدرت مذهبی در خراسان وجودداشتند که فعالیت‌های آنان را تنها می‌توان از روی حدس و گمان مشخص کرد. از جمله این‌که شواهدی وجود دارد، مبنی بر این‌که شیوخ چشت در آن دوره فعال بودند. شاهرخ پس از اتمام ساخت مدرسه و خانقاه خود در سال ۸۱۳هـ. علاء الدین چشتی را به عنوان مدرس و متولی این دو مکان برگزید. فصیح خوافی به شیوخ سنجان که احتمالاً از نوادگان شاه‌سنجان شیخ طریقت چشتی بود، احترام ویژه‌ای قائل بود (خواندمیر، بی تا: ۳۸۲/۳). بدون شک شیوخ طریقت چشتی بخشی از زمینه مذهبی دوره شاهرخ را تشکیل می‌دادند. در بررسی تصوف در خراسان، عهد تیموریان به جای تحلیل طریقت‌های تصوف به روابط و مناسبات میان شیوخ طریقت‌های مختلف پرداخته می‌شود. در اوایل قرن نهم هـ. در قلمرو تیموریان طریقت‌های سازمان‌یافته‌ای مانند نقشبندیه، خواجه احرار هنوز شکل رواج‌نداشت. طرفداران وحدت، یکپارچگی و الهام به طریقت‌های مختلف متوسل می‌شدند. صوفیان به خدمت شیوخ گوناگون می‌رسیدند و از آن‌ها بهره‌های مذهبی و عرفانی می‌بردند (فوربزمز، ۱۳۹۱: ۳۶۹). اکثر شیوخ بزرگ غالباً به یک طریقت وفادار بودند. لیکن این موضوع آنان را از ارتباط با سایر شیوخ و مریدان سایر طریقت‌ها باز نمی‌داشت، حتی بعضی از شیوخ همزمان آموزه‌های دینی دو طریقت مختلف را نیز تدریس و تعلیم می‌دادند.

### شیوخ جام

شیخ الاسلام احمد جامی نامقی ترشیزی معروف به احمدجام (۴۴۰-۵۳۶هـ) از عارفان و صوفیان قرن ششم هـ. بود. وی در روستای نامق شهرستان کوهسرخ متولد شد. نیاکان او از نوادگان جریربن عبدالله، از صحابه پیامبر اسلام بودند. القاب احمد جامی شامل شیخ الاسلام، قطب الاوتاد، شیخ ابونصر احمد زنده‌پیل و گاه او را پیر جام یا شیخ جام نیز نامیده‌اند. احمدجام بنیانگذار خاندان، در جام مدرسه و مسجدی بنا نهاد که مزار خانوادگی وی در کنار آن شکل گرفت. وی از طریق وصلت با خاندان‌های برجسته خراسان و قهستان پیوند یافت. سیاستی که بعدها در سرتاسر دوره مغول نیز اعقاب وی در پیش گرفتند (بوزجانی، ۱۳۴۵: ۹۷-۹۶). آن‌ها در جام، باخزر، ترشیز و هرات ماندگار شدند (همان، ۶۶، ۷۳). علت این‌که شیوخ جام توانستند چندین قرن نفوذ خود را حفظ نمایند تا حدودی به خاطر محلی ماندن طریقت‌شان بود که اطراف مزار متمرکز شده بود. تربت شیخ جام برای تداوم اعتبار خاندان وی دارای اهمیت بود و مرکز تجمع ثروت، کانون میهمان‌نوازی و جذب کمک‌های مالی دربار و نخبگان و همچنین یادآور شخصیت و احترام به شیخ بود. تولید تربت امتیاز بزرگی بود که بزرگان خاندان بر سر تصدی آن به رقابت می‌پرداختند و به نظر نمی‌رسد که این امتیاز مداوم در دست یک گروه باقی‌مانده باشد. تولید مزار از برهان الدین پسر شیخ احمد به برادرزاده‌اش قطب‌الدین محمد

مطهر (د. ۶۷۴هـ) رسید. متولی بعدی مزارپسرش، شهاب‌الدین اسماعیل (د. ۷۳۸هـ) بود. وی این مقام را میان دو پسر خود احمد متولی مزار و شمس‌الدین محمد رئیس خانقاه تقسیم کرد. (بوزجانی، ۱۳۴۵: ۲۵، ۸۹). متولی بعدی مزار جام، خواجه شهاب‌الدین ابوالمکارم (۷۹۶-۸۷۴هـ) است که به هنگام عبور شاهرخ از جام در سال ۸۴۲هـ متولی مزار بود (سمرقندی، ۱۳۵۳: ۲/ ۷۱۶). از او به عنوان فقیه و صوفی یاد شده است. (بوزجانی، ۱۳۴۵: ۱۱-۱۱۰، خواندمیر، بی تا: ۴/ ۱۱). وی چند سال بعد طی مأموریت سفارت به دربار سلطان بنگال درگذشت (سمرقندی، ۱۳۵۳: ۱۷۸۲). از ابوالمکارم دو کتاب خلاصه المقامات درباره احوال و آثار شیخ جام که آن را در سال ۸۴۰هـ تقدیم به شاهرخ کرد و کتاب منشآت نیز باقی مانده است (فصیح‌خوافی، ۱۳۸۶: ۱۰۰۰). پس از شهاب‌الدین تولیت مزار به پسر وی ابوالفتح رسید. اما ظاهراً پس از ابوالفتح این مقام به شاخه دیگری از خاندان احمد جام رسید. سپس پسرش جلال‌الدین جانشین وی گردید (خواندمیر، بی تا: ۴/ ۳۹ - ۳۳۸). از دیگر اعضای این خاندان شیخ شهاب‌الدین عمر که پسر معین‌الدین، وزیر و نواده سلطان کرت را می‌توان نام برد (بوزجانی، ۱۳۴۵: ۱۱۱-۱۱۲). تولیت مزار مستلزم توانمندی اداری و سیاسی بود. بنابراین جای تعجب نیست که شیوخ جام مناسبات صمیمانه با حکمرانان تیموری خراسان داشتند. حکمرانان نیز متقابلاً به ایجاد رابطه با آنان ترغیب می‌شدند. ضیاء‌الدین یوسف متولی تربت جام تیمور را در لشکرکشی به دشت قبچاق همراهی کرد. تیمور نیز دو خانقاه وقف او کرد (همان، ۱۰۸). شاهرخ در جریان چندین لشکرکشی بر سر راه خود توقف کرد و به زیارت شیوخ جام رفت. شهاب‌الدین ابوالمکارم کتابی را که در شرح حال شیوخ جام نوشته بود به شاهرخ هدیه کرد (حافظ ابرو، ۱۳۸۰: ۵۹۹ - ۷۱۵؛ سمرقندی، ۱۳۵۳: ۴۰، ۳۲۰). بعضی از امیران تیموری روابط نزدیکی با جام داشتند. در مورد شیوخ جام باید گفت که عواملی مانند خاندان، ارتباطات و ثروت مهم‌تر از عقاید، اعمال و کردار بود. در دوره تیموریان، خاندان احمد جام به‌دوربودن از تفرقه و حسدورزی شهرت یافته بودند (جامی، ۱۳۳۶: ۵۹۳). از مریدان وی می‌توان به زین‌الدین تایب‌الدین اشاره کرد. زین‌الدین به‌واسطه گستاخی با تیمور شهرت یافته بود. زین‌الدین با پای پیاده به زیارت تربت جام می‌رفت و در آنجا به خواندن قرآن و تأمل می‌پرداخت. وی همواره حامی شیوخ جام بود و آنان را به تیمور سفارش می‌کرد و از وجهه و اعتبار بسیاری برخوردار بود (اسفزاری، ۱۳۳۸: ۲۷/ ۱ - ۲۲۵). از این رو ارتباط میان تایب‌الدین و شیوخ جام برقرار شد (بوزجانی، ۱۳۴۵: ۱۴، ۲۸). بدین ترتیب تربت جام طی قرن‌های هشتم، نهم، دهم هـ مکان معنوی و تبلیغات مذهبی در دوران تیموریان و بعد از این قرن بود. (سمرقندی، ۱۳۸۲: ۳۴۷)

## نتیجه‌گیری

با نگاهی اجمالی به قرن نهم هجری، مقبولیت آیین تشیع به عنوان بارزترین مشخصه مذهبی مردم آشکار است. اقشار جامعه چنان به این مذهب ابراز علاقه می‌نمودند که سلاطین، علما، عرفا، شعرا، فقها، مورخان و صوفیان نیز یا خود گرایش شیعی داشتند یا با ابراز علاقه به آن، در پیشبرد اهداف خود بهره می‌بردند. لذا در احوال و آثارشان به مناقب و فضائل اهل بیت و خالی بودن از تعصب سنیان دوره‌های قبل آشکار است. نکته مهم تکیه علمای اهل سنت و صوفی بر مذهب بود. در طول تاریخ اسلامی، معمولاً عرفا و عالمان از کشمکش‌های مذهبی برحذر بوده و خود را در حدی بالاتر از جدال شیعه و سنی می‌دانستند. ولی در قرن نهم هجری، در عهد تیموریان از یک سو تصوف از درون تهی شد و از طرف دیگر گرایش عمومی به تشیع باعث شد دانشمندان و علمای اهل سنت و صوفی نیز بر مذهب تشیع تکیه و تأکید نمایند.

## منابع و مأخذ

- (۱) ابن عرب‌شاه، احمد بن محمد (۲۰۰۸)، *عجائب‌المقدور فی نوائب تیمور*، دمشق تکوین.
- (۲) اسفزاری، معین‌الدین محمد (۱۳۳۸)، *روضات الجنات فی اوصاف مدینه هرات*، تصحیح محمد کاظم امام، تهران: دانشگاه تهران.
- (۳) افندی، عبدالله بن عیسی (۱۳۸۹)، *ریاض العلماء و حیاض الفضلاء*، ج ۱ مشهد: بنیاد پژوهش‌های آستان قدس، چاپ دوم.
- (۴) براون، ادوارد (۱۳۳۹)، *از سعدی تا جامی*، تهران: ابن سینا، چاپ دوم.
- (۵) بناکتی، داود بن محمد (۱۳۴۸)، *تاریخ بناکتی*، مترجم: علی اصغر حکمت، تهران: انجمن آثار ملی، چاپ اول.
- (۶) *تاریخ ایران دوران تیموریان*، پژوهش دانشگاه کمبریج (۱۳۸۲)، ترجمه: یعقوب آزند، تهران: جامی.
- (۷) تهرانی، آقابزرگ (۱۳۰۴)، *الذریعه الی تصانیف الشیعه*، قم: اسماعیلیان، چاپ اول.
- (۸) جامی، علی اصغر (۱۳۶۳)، *حکمت*، تهران: طوس.
- (۹) جامی، عبدالرحمان (۱۳۳۶)، *نفحات الانس*، بی‌جا: محمودی، چاپ اول.
- (۱۰) حافظ ابرو، عبدالله لطف‌الله (۱۳۸۰)، *زبده التواریخ*، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، چاپ اول.
- (۱۱) حلی، حسن بن یوسف (۱۳۷۹)، *منهاج الکرامه فی معرفه الامامه*، مشهد: تاسوعا.
- (۱۲) خنجی، فضل‌الله بن روزبهان (۱۳۷۵)، *وسیله الخادم الی المخدم در شرح صلوات چهارده معصوم*، بی‌جا: انصاریان.
- (۱۳) ----- (۱۳۵۵)، *مهمان نامه بخارا*، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب، چاپ ۲.
- (۱۴) خواندمیر، غیاث‌الدین (بی‌تا)، *حبیب‌السیر*، تصحیح دبیرسیاقی، تهران: خیام.
- (۱۵) سمرقندی، کمال‌الدین عبدالرزاق (۱۳۵۳)، *مطلع سعدین و مجمع البحرین*، تصحیح عبدالحسین نوایی، تهران: طهوری.
- (۱۶) سمرقندی، دولت‌شاه (۱۳۸۲)، *تذکره الشعراء*، تهران: اساطیر، چاپ اول.
- (۱۷) شیخ مفید، محمد بن محمد (۱۴۱۴)، *اوائل المقالات*، بیروت: دارالمفید.

- ۱۸) شیبی، کامل مصطفی (بی تا)، *الصله بین التشیع والتصوف*، قاهره: دارالمعارف.
- ۱۹) ----- (۱۳۵۹)، *تشیع و تصوف*، ترجمه: علی رضا ذکاوتی، تهران: امیرکبیر.
- ۲۰) صفاء، ذبیح الله (۱۳۶۳)، *تاریخ ادبیات ایران*، تهران: فردوسی.
- ۲۱) صفدی، خلیل بن ایبک (۱۴۰۱)، *الوافی بالوفیات*، بیروت: فرانزشتاینر.
- ۲۲) عاملی، محسن امین (۱۴۰۳)، *اعیان الشیعه*، بیروت: دارالتعارف.
- ۲۳) عسقلانی، ابوالفضل احمد بن علی (۱۴۱۴)، *الدرر الکامنه*، بیروت: دارالجلیل.
- ۲۴) عقیلی، حاجب بن نظام (۱۳۳۷)، *آثار الوزرا*، تهران: دانشگاه تهران.
- ۲۵) علیاری، علی بن عبدالله (۱۳۷۱)، *بهجه الامال*، ج ۳، تهران: بنیادفرهنگ اسلامی.
- ۲۶) فصیح خوافی، محسن (۱۳۸۶)، *مجمعل فصیحی*، تهران: اساطیر، چاپ اول.
- ۲۷) فضل الله، رشیدالدین (۱۳۹۴)، *توضیحات رشیدی*، به کوشش هاشم رجب زاده، تهران: میراث مکتوب.
- ۲۸) ----- (۱۳۶۲)، *جامع التواریخ*، تصحیح کریمی، تهران: اقبال.
- ۲۹) فوربزمنز، بناتریس (۱۳۹۱)، *قدرت، سیاست و مذهب در عصر تیموریان*، ترجمه: حسن اسدی، تهران: مولی.
- ۳۰) کاشانی، عبدالله بن محمد ابوالقاسم (۱۳۴۸)، *تاریخ الجایتو*، به کوشش مهین همبلی، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- ۳۱) قزوینی رازی، عبدالجلیل (۱۳۵۸)، *نقض*، تصحیح محدث ارموی، تهران: انجمن آثار ملی.
- ۳۲) کاشفی، ملاحسین (بی تا)، *روضه الشهداء*، تصحیح ابوالحسن شعرانی، تهران: اسلامیه.
- ۳۳) محدث ارموی، جلال الدین (۱۳۵۸)، *تعلیقات نقض*، تهران: انجمن آثار ملی.
- ۳۴) مدرس تبریزی، محمدعلی (۱۳۶۹)، *ریحانه الادب*، ج ۲، تهران: خیام، چاپ سوم.
- ۳۵) مستوفی، حمدالله (۱۳۶۲)، *تاریخ گزیده*، تصحیح: عبدالحسین نوایی، تهران: امیرکبیر.
- ۳۶) میرخواند، امیر محمود (۱۳۸۰)، *روضه الصفاء*، به کوشش: جمشید کیانفر، تهران: اساطیر.
- ۳۷) نوایی، علیشیر (۱۳۴۲)، *دیوان امیرعلیشیر نوایی*، تهران: ابن سینا، چاپ اول.
- ۳۸) هروی، ابراهیم بن میرجلال الدین (۱۳۸۳)، *فتوحات شاهمی*، تهران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی، چاپ اول.
- ۳۹) یارشاطر، احسان (۱۳۸۳)، *شعر فارسی در عهدشاهرخی*، تهران: دانشگاه تهران، چ دوم.
- ۴۰) یزدی، شرف الدین علی (۱۳۸۷)، *ظفرنامه*، تهران: مجلس شورای اسلامی، چاپ اول.

## The Influence of Spirituality and Mysticism among Shiite Scholars and Sufis in the First Half of the Ninth Century AH

Yusof Zohurian<sup>1</sup>, Ardeshir Asadbeigi<sup>2\*</sup>, Shahrbanu Delbari<sup>3</sup>, Alireza Ruhi<sup>4</sup>

PhD Student, History and Civilization of Islamic Societies, Mashhad Branch, Islamic Azad University, Mashhad, Iran.

Assistant Professor, Department of History and Civilization of Islamic Societies, Mashhad Branch, Islamic Azad University, Mashhad, Iran.\* Corresponding Author  
jafar.asadbeigi@gmail.com

Assistant Professor, Department of History and Civilization of Islamic Societies, Mashhad Branch, Islamic Azad University, Mashhad, Iran.

Associate Professor, Department of History and Civilization of Islamic Nations, Mashhad Branch, Razavi University of Islamic Sciences, Mashhad, Iran.

### Abstract

One of the prominent features of the ninth century AH in terms of religion was the spread of the Shiite religion and the expression of a cultural and cultured stratum towards this religion. The Timurids policy of religious freedom, which was a continuation of the Mongols policy. It paved the way for the conflict of votes. In this regard, the Shiite school, which had a firm belief base, grew significantly with spiritual, divine and mystical motives, which finally laid the groundwork for the formation of a Shiite government. There is also calm after the conquests of Timur and his interest and respect for scholars, scientists and Sufis. In this period, they were scholars or Shiites and based their writings on mysticism and Shiism, and if they were Sunnis, they were Sunnis with little prejudice or inclination towards Shiites. Now, the efforts of scholars and scientists in the previous period and at the same time as the Timurids came to power to create Shiism are important, which this study addresses. The method of this research is (descriptive-analytical). The main question of this research is based on the question of whether by studying the works of scientists in this period, their mystical views on.

### Key words:

. scholars, Sufis, mysticism, Shiism, Timurids

